

در همین مرحله بود که خداوند تورات را بر موسی نازل کرد و بنی اسرائیل را به انجام برنامه‌های آن دعوت نمود، چنانکه در آخرین آیه مورد بحث می‌فرماید:

«ما به موسی کتاب آسمانی دادیم تا بنی اسرائیل در سایه آن هدایت شوند»  
(ولقد آتینا موسی الکتاب لعلهم یهتدون).

قابل توجه اینکه در آیات گذشته در مرحله مبارزه با فرعونیان سخن از موسی و برادرش هارون در میان بود، و تمام ضمیرها به صورت تثنیه آمده، ولی در اینجا که سخن از نزول کتاب آسمانی است تنها از موسی بحث شده، زیرا او پیامبر اولوالعزم و صاحب کتاب و شریعت تازه بود، بعلاوه هنگام نزول تورات او در کوه طور بود و برادرش هارون در میان جمعیت بنی اسرائیل باقی ماند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۱

آیه ۵۰

آیه و ترجمه

و جعلنا ابن مریم و امه ایه و اءوینهما الی ربوة ذات قرار و معین ۵۰

ترجمه :

۵۰ - ما فرزند مریم (عیسی) و مادرش (مریم) را نشانه خود قرار دادیم و آنها را در سرزمین بلندی که آرامش و امنیت و آب جاری داشت جای دادیم.

تفسیر:

آیتی دیگر از آیات خدا

در آخرین مرحله از شرح سرگذشت پیامبران اشاره کوتاه و مختصری به حضرت مسیح (علیه السلام) و همچنین مادرش مریم کرده می‌گوید: «ما فرزند مریم و مادرش را نشانه‌ای از عظمت و قدرت خود قرار دادیم» (و جعلنا ابن مریم و امه آیه).

تعبیر به «ابن مریم» بجای «عیسی» برای توجه دادن به این حقیقت است که او تنها از مادر و بدون دخالت پدری به فرمان پروردگار متولد شد، و این تولد خود از آیات بزرگ قدرت پروردگار بود.  
و از آنجا که این تولد استثنائی رابطه‌ای با عیسی و رابطه‌ای با مادرش مریم

دارد هر دو را به عنوان یک آیه و نشانه می‌شمرد چرا که این دو (تولد فرزندی بدون دخالت پدر و همچنین باردار شدن مادری بدون تماس با مرد) در واقع یک حقیقت بودند با دو نسبت متفاوت.

سپس به بخشی از نعمتها و مواهب بزرگی که به این مادر و فرزند عطا فرموده اشاره کرده می‌گوید: «ما آنها را در سرزمین بلندی که دارای آرامش و امنیت و آب جاری بود جای دادیم» (و آویناهما الی ربوة ذات قرار و معین). «(ربوة) از ماده «ربا» به معنی زیادی و افزایش است و در اینجا به معنی سرزمین

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۲

بلند می‌باشد.

«معین» از ماده «معن» (بر وزن شان) به معنی جریان آب است، بنابراین ماء معین به معنی آب جاری است، بعضی نیز آن را از ماده «عین» یعنی آبی که ظاهر است و با چشم دیده می‌شود دانسته‌اند. به هر حال این جمله اشاره سر بسته‌های است به محل امن و امان و پر برکتی که خداوند در اختیار این مادر و فرزند قرار داد، تا از شر دشمنان در امان باشند و با آسودگی خاطر به انجام وظائف خویش بپردازند. اما اینکه این محل کدام نقطه بوده است؟ در میان مفسران گفتگو بسیار است. بعضی آن را ناصره (از شهرهای شامات) زادگاه حضرت مسیح (علیه السلام) می‌دانند، چرا که به هنگام تولدش گروهی از دشمنان که خبر تولد او و آینده وی را اجمالاً دریافته بودند در صدد نابودیش بر آمدند، اما خدا او را در آن محل امن و امان و پر نعمتی حفظ کرد. بعضی دیگر آن را اشاره به سرزمین مصر می‌دانند چرا که عیسی و مادرش مریم مدتی از عمر خود را برای نجات از چنگال دشمنان به سرزمین مصر پناه بردند.

بعضی دیگر آن را به سرزمین «دمشق» و بعضی سرزمین «رملة» (یکی از شهرهای شمال شرقی بیت المقدس) تفسیر کرده‌اند چرا که مسیح و مادرش در هر یک از این مناطق، قسمتی از عمر خود را گذراندند. این احتمال نیز وجود دارد که جمله فوق اشاره به محل تولد مسیح (علیه السلام) در بیابان بیت المقدس باشد، جایی که خداوند آن را محل امنی

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۳

قرار داد، و آب گوارا در آن جاری ساخت و از درخت خشکیده خرما به او روزی مرحمت کرد.

و در هر صورت آیه دلیلی است بر حمایت مستمر و دائم خداوند نسبت به رسولان خود و کسانی که از آنها حمایت می کردند، و نشان می دهد که اگر تمام تیغهای جهان از جا حرکت کنند تا رگی را ببرند تا خدا نخواهد توانائی نخواهند داشت، و هرگز تنهائی و یاران اندک آنها سبب شکستشان نخواهد شد.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۴

آیه ۵۱ - ۵۴

آیه و ترجمه

یاایها الرسل کلوا من الطیبت و اعملوا صلحا انی بما تعملون علیم ۵۱  
و ان هذه ائمتکم امة وحدة و انا ربکم فاتقون ۵۲  
فتقطعوا ائمرهم بینهم زبرا کل حزب بما لدیهم فرحون ۵۳  
فذرهم فی غمرتهم حتی حین ۵۴

ترجمه :

۵۱ - ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید که من به آنچه انجام می دهید آگاهم.

۵۲ - همه شما امت واحدی هستید و من پروردگار شمایم از مخالفت فرمان من بپرهیزید.

۵۳ - اما آنها کارهای خود را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند (وعجب اینکه) هر گروه، به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! ۵۴ - آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی که مرگشان فرا رسد . (یا گرفتار عذاب الهی شوند).

تفسیر:

همگی امت واحدید

در آیات پیشین سخن از سرگذشت پیامبران و امتهایشان بود، در نخستین

آیه مورد بحث همه را مخاطب ساخته چنین می گوید: «ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه و طیب تغذیه کنید و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه شماعمل می کنید آگاهم» (یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا انی بماتعملون علیم).

فرق میان شما و دیگر انسانها این نیست که شما صفات بشری همانند نیاز به تغذیه ندارید، تفاوت این است که شما حتی تغذیه را نیز به عنوان یک وسیله تکامل پذیرفته اید و به همین دلیل برنامه شما خوردن از طیبات و پاکیزه ها است در حالی که مردمی که خوردن را هدف نهائی خود قرار داده اند به هیچ وجه مقید به این برنامه نیستند، به دنبال چیزی می روند که هوس حیوانی آنها را اشباع کند خواه خبیث باشد یا طیب.

و با توجه به اینکه نوع تغذیه در روحيات انسان مسلما مؤثر است و غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد ارتباط این دو جمله روشن می شود که می فرماید: «از غذاهای پاکیزه بخورید» و «عمل صالح انجام دهید».

در روایات اسلامی نیز می خوانیم خوردن غذای حرام جلو استجاب دعای انسان را می گیرید، حدیث معروفی که از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده شاهد این مدعی است: مردی خدمتش عرض کرد دوست دارم دعایم مستجاب شود، فرمود: طهر ماکلتک و لا تدخل بطنک الحرام : «غذای خود را پاک کن، و از هر گونه غذای حرام بپرهیز»!

ذکر این نکته نیز لازم است که جمله انی بما تعملون علیم (من از آنچه انجام می دهید آگاهم) خود دلیل مستقلی برای انجام عمل صالح است، چرا که وقتی انسان بداند کسی همواره ناظر عمل او است که چیزی بر او مخفی نمی شود

و حساب اعمال او را دقیقا نگاه می دارد، بدون شک این توجه در اصلاح عمل او مؤثر است.

و از این گذشته تعبیرات آیه فوق از طریق برانگیختن حس شکرگزاری انسان در برابر نعمتهای پاکیزه ای که نصیب او شده نیز روی اعمال انسان مؤثر

است.

به این ترتیب در این آیه از سه جهت برای انجام عمل صالح کمک گرفته شده است: از جهت تاءثیر غذای پاک بر صفای قلب، و از جهت تحریک حس شکرآگزاری، و از جهت توجه دادن به اینکه خدا شاهد و ناظر اعمال آدمی است.

و اما واژه «طیب» چنانکه قبلا هم گفته ایم به معنی هر چیز پاک و پاکیزه در مقابل «خبیث» (ناپاک) است، راغب در مفردات می گوید: «طیب» در اصل به معنی هر امر لذتبخش است خواه حواس انسان از آن لذت ببرد و یا روح و جان انسان، ولی در شرع به معنی چیزی است که پاک و حلال باشد. به هر حال بسیاری از بحثهای قرآن پیرامون طیب و طیبات دور می زند: - به پیامبران دستور می دهد تنها از غذای طیب تغذیه کنند. - نه تنها به پیامبران، به همه مؤمنان خطاب می کند: یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم، «ای کسانی که ایمان آوردید از طیباتی که به شما روزی داده ایم بخورید» (بقره - ۱۷۲). - اعمال و سخنانی به مقام قرب او راه میابند که طیب و پاک باشند الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه: «کلمات طیب به مقام قرب او صعود می کند و عمل صالح را بالا می برد» (فاطر - ۱۰). - و نیز یکی از افتخارات بزرگی که خداوند به انسان داده، و به عنوان یکی از نشانه های برتری او بر سایر موجودات می شمرد استفاده از طیبات است و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۷

و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا: «ما فرزندان آدم را اکرام کردیم و بزرگ داشتیم، و آنها را در خشکی و دریا بر مرکبهای حمل نمودیم، و از روزیهای طیب و پاکیزه به آنها بخشیدیم و بر بسیاری از مخلوقات خود فضیلت دادیم» (اسراء - ۷۰).

در یک حدیث کوتاه و پر معنی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز این حقیقت بازگو شده است فرمود: یا ایها الناس! ان الله طیب لا یقبل الا طیباً: ای مردم! خداوند پاک و پاکیزه است و جز عمل پاک و پاکیزه چیزی را قبول نمی کند».

سپس آیه بعد همه پیامبران و پیروان آنها را به توحید و تقوی دعوت کرده چنین می گوید: «همه شما امت واحدی هستید» (و تفاوت های میان شما و همچنین پیامبرانتان هرگز دلیل بر دوگانگی و چندگانگی نیست) (و ان هذه امتکم امة واحدة).

«و من پروردگار شما هستم، از مخالفت فرمان من بپرهیزید» (و انا ربکم فاتقون).

به این ترتیب، آیه فوق به وحدت و یگانگی جامعه انسانی، و حذف هر گونه تبعیض و جدائی دعوت می کند، همانگونه که او پروردگار واحد است انسانها نیز امت واحد هستند.

به همین دلیل باید از یک برنامه پیروی کنند همانگونه که پیامبرانشان نیز به آئین واحدی دعوت می کردند که اصول و اساس آن همه جا یکی بود: توحید و شناسائی حق، توجه به معاد و زندگی تکاملی بشر و استفاده از طیبات و انجام اعمال صالح، و حمایت از عدالت و اصول انسانی. بعضی از مفسران «امت» را در اینجا به معنی دین و آئین می دانند،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۸

نه به معنی جمعیت و جماعت، در حالی که ضمیر جمع در جمله «اناربکم» شاهد بر آن است که منظور از امت همان جماعت انسانها است. و لذا در تمام مواردی که کلمه امت در قرآن مجید به کار رفته همین معنی جمعیت و گروه از آن اراده شده است، مگر در بعضی از موارد استثنائی که تواءم باقرینه خاصی بوده و امت مجازا به معنی مذهب به کار رفته است، مانند انا وجدنا آباءنا علی امة و انا علی آثار هم مقتدون. «ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و از آنها پیروی می کنیم» (زخرف - ۲۳).

قابل توجه اینکه مضمون همین آیه با تفاوت مختصری در سوره انبیاء آیه ۹۲ آمده است (ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون) در حالی که قبل از آن شرح حال بسیاری از انبیاء بیان شده است و در واقع «هذه» اشاره به امت های انبیای پیشین است که همه از دیدگاه فرمان الهی امت واحد بودند و همگی به دنبال یک هدف در حرکت.

آیه بعد - به دنبال دعوتی که به وحدت و یگانگی در آیه قبل شد - انسانها را از پراکندگی و اختلاف با این عبارت بر حذر می دارد: «اما آنها کارهای خود

را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند» (فتقطعوا امرهم بینهم زبرا).

و عجب اینک «هر یک از این احزاب و گروهها به آنچه نزد خود دارند خوشحالند» و از دیگران بیزار (کل حزب بما لدیهم فرحون). «زبر» جمع زبره (بر وزن لقمه) به معنی قسمتی از موی پشت سر حیوان است که آن را جمع و از بقیه جدا کنند، سپس این واژه به هر چیزی که مجزا از دیگری شود اطلاق شده است، بنابراین جمله «فتقطعوا امرهم بینهم زبرا» اشاره به تجزیه امتهای مختلف است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۵۹

بعضی نیز احتمال داده‌اند: «زبر» جمع «زبور» به معنی کتاب بوده باشد، یعنی هر یک از آنها دنباله رو کتابی از کتب آسمانی شدند، و بقیه کتب الهی رانفی کردند، در حالی که همه از مبدء واحدی سرچشمه گرفته بود. ولی جمله «کل حزب بما لدیهم فرحون» تفسیر اول را تقویت می‌کند چرا که از احزاب مختلف و تعصب هر یک از آنها بر گفته‌های خویش سخن می‌گوید.

به هر حال آیه فوق یک حقیقت مهم روانی و اجتماعی را بازگو می‌کند و آن تعصب جاهلانه احزاب و گروهها است که هر یک راه و آئینی را برای خود برگزیده، و دریچه‌های مغز خود را به روی هر سخن دیگری بسته‌اند، و اجازه نمی‌دهند شعاع تازه‌ای به مغز آنها بتابد، نسیمی به روحشان بوزد و حقیقتی را بر آنها روشن سازد!

این حالت که از خود خواهی و حب ذات افراطی و خود بینی و خود پسندی سرچشمه می‌گیرید بزرگترین دشمن تبیین حقایق و رسیدن به اتحاد و وحدت امتهای است.

این خوشحال بودن به راه و رسم خویشتن و احساس تنفر و بیگانگی از هر چه غیر آن است گاه به جایی می‌رسد که اگر انسان سخنی بر خلاف راه و رسم خویش بشنود انگشت در گوش می‌گذارد و جامه بر سر میکشد و پا به فرار می‌نهد مبادا حقیقتی بر خلاف آنچه با آن خو گرفته بر او روشن شود، آنچنان که قرآن درباره مشرکان عصر نوح (علیه السلام) بیان می‌کند و انی کلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابعهم فی آذانهم و استغشوا ثیابهم و اصروا و

استکبروا استکبارا:

«بار الها هر زمان که من از اينها دعوت کردم که به سوی تو آیند و گناهانشان را ببخشی، انگشتها بر گوش نهادند و جامه بر خود پیچیدند و در راه غلطشان اصرار ورزیدند و به شدت در برابر حق استکبار کردند» (نوح - ۷).

---

تفسير نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۶۰

و تا به این حالت پایان داده نشود راه وصول به حق برای انسان ممکن نیست و هر کس بر طریقه خود اصرار می ورزد و لجاجت می کند. لذا در آخرین آیه مورد بحث می گوید: «اکنون که چنین است بگذار آنها در جهل و گمراهی و غفلت و سرگردانیشان فرو روند تا مرگشان فرا رسد و یا گرفتار عذاب الهی شوند که این قبیل افراد سرنوشتی غیر از این ندارند (فذرهم فی غمرتهم حتی حین). کلمه «حین» ممکن است اشاره به وقت مرگ یا وقت نزول عذاب و یا هر دو باشد.

واژه «غمره» (بر وزن ضربه) در اصل از «غمر» به معنی از بین بردن اثر چیزی است، سپس به آب زیادی که مسیر خود را می شوید و پیش می رود «غمر» و «غامر» گفته شده و بعد از آن به جهل و نادانی و گرفتاریهایی که انسان را در خود فرو می برد نیز اطلاق گردیده است، و در آیه مورد بحث به معنی غفلت و سرگردانی و جهل و گمراهی است.

---

تفسير نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۶۱

آیه ۵۵ - ۶۱

آیه و ترجمه

اء یحسبون اءنما نمدهم به من مال و بنین ۵۵  
نسارع لهم فی الخیرت بل لا یشعرون ۵۶  
ان الذین هم من خشية ربهم مشفقون ۵۷  
و الذین هم بایت ربهم یؤمنون ۵۸  
و الذین هم بربهم لا یشرکون ۵۹  
و الذین یؤتون ما اءتوا و قلوبهم و جلة اءنهم الی ربهم رجعون ۶۰



اولئك يسرعون في الخیرت و هم لها سبقون ۶۱

ترجمه :

۵۵ - آنها گمان می کنند اموال و فرزندی که به آنان داده ایم...

۵۶ - برای این است که درهای خیرات را به روی آنها بگشاییم؟! (چنین نیست) بلکه آنها نمیفهمند!

۵۷ - آنان که از خوف پروردگارشان بیمناکند.

۵۸ - و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۶۲

۵۹ - و آنها که به پروردگارشان شرک نمی ورزند.

۶۰ - و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات بخرج می دهند اما با این حال دلهایشان ترسناک است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند.

۶۱ - (آری) چنین کسانی هستند که در خیرات سرعت می کنند و از دیگران پیشی می گیرند.

تفسیر:

#### سبقت گیرندگان در خیرات

از آنجا که در آیات گذشته سخن از احزاب و گروههای لجوج و متعصب و خودخواهی به میان آمد که تنها به عقائد خود چسبیده اند و خوشحالند و راه هر گونه تحقیق را به روی عقل خود بسته اند، در آیات مورد بحث به بعضی دیگر از پندارهای خودبینانه آنان اشاره کرده می گوید:

«آیا آنها گمان می کنند اموال و فرزندی را که به آنان داده ایم...» (۱) یحسبون انما نمدهم به من مال و بنین).

«برای این است که درهای خیرات را به سرعت به روی آنها بگشاییم»؟! (نسارع لهم فی الخیرات).

آیا آنها داشتن اموال سرشار و فرزندان بسیار را دلیل بر حقانیت روشن خود می پندارند و نشانه قرب و عظمت در درگاه خدا می دانند؟ نه، هرگز چنین نیست «بلکه آنها نمی فهمند» (بل لا یشعرون).

آنها نمی دانند که این اموال و فرزندان فراوان در حقیقت یک نوع عذاب و مجازات یا مقدمه عذاب و کیفر برای آنها است، آنها نمی دانند که خدا

می‌خواهد آنها را در ناز و نعمت فرو برد تا به هنگام گرفتار شدن در چنگال کیفر الهی، تحمل عذاب بر آنها دردناکتر باشد، زیرا اگر درهای نعمتها به روی انسان بسته‌شود و آمادگی پذیرش ناراحتیها پیدا کند مجازاتها زیاد دردناک نخواهد بود، اما اگر

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۶۳

کسی را از میان ناز و نعمت بیرون کشند و به سیاه چال زندان وحشتناکی بیفکنند فوق العاده دردناک خواهد بود. بعلاوه این فراوانی نعمت، پرده‌های غفلت و غرور را بر روی چشمان او ضخیم‌تر می‌کند تا آنجا که راه بازگشت بر او غیر ممکن می‌شود. این همان چیزی است که در سایر آیات قرآن از آن اشاره به «استدراج در نعمت» شده است. ضمناً جمله «نمد» از ماده «امداد» و «مد» به معنی کامل کردن نقصان چیزی، و جلوگیری از قطع و پایان آن است. بعد از نفی پندارهای این غافلان خود خواه، چگونگی حال مؤمنان و سرعت‌کنندگان در خیرات را ضمن چند آیه بازگو می‌کند و صفات اساسی آنها را تشریح می‌نماید: نخست می‌گوید: «کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناک و نگرانند» (ان‌الذین هم من خشية ربهم مشفقون).

بعد ←

↑ فترت

→ قبل